

نشریه علمی
پژوهشنامه ادبیات تعلیمی
سال چهاردهم، شماره پنجاه و سوم، بهار ۱۴۰۱

«مؤلفه‌های نوع تعلیمی در رساله کمال اظهري شیرازی»

فریبا چینی - دکتر فاطمه سادات طاهری

چکیده

بوداق اظهري شیرازی، شاعر ناشناخته قرن دهم و یازدهم هجری، مجموعه اشعاری ۱۰۳۸۵ بیتی دارد که آن را رساله کمال نامیده است. نگارندگان این پژوهش مؤلفه‌های تعلیمی اظهري را در اشعار وی بررسی می‌کنند؛ نیز با شیوه توصیفی - تحلیلی مبتنی بر اشعار اظهري در پی پاسخگویی به این پرسش هستند: «در رساله کمال اظهري کدام آموزه‌های تعلیمی وجود دارد و شاعر از چه شگردها و شیوه‌هایی برای تبیین آن‌ها استفاده کرده است؟». با پاسخ به این پرسش استدلال می‌کنند که نعت و منقبت‌خاندان نبوت و امامت^(ع)، مدح سلاطین صفوی، عشق مجازی، توصیف حوادث زندگی و هجو و هزل از مضامین اصلی شعر اظهري است؛ اما شاعر، مانند بسیاری از شاعران پیشین، در قالب‌ها و مضامین متنوع شعری خود گاهی به شکل مستقل و گاهی در لابه‌لای مضامین و انواع ادبی دیگر به تعلیم خیر و نیکی (روش ایجابی) به مخاطبان خاص و عام خویش یا بازداشتن آن‌ها از زشتی‌ها و بدی‌ها (شیوه سلبی) پرداخته است. اظهري تعالیم خود را به دو شیوه مستقیم و غیرمستقیم به مخاطب آموزش داده است؛ همچنین از شگردهای

دانشجوی گروه دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد کاشان، دانشگاه آزاد اسلامی، کاشان، ایران

Walru_s@yahoo.com

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی دانشگاه کاشان، کاشان، ایران (نویسنده

taheri@kashanu.ac.ir

مسئول)

تاریخ پذیرش ۱۴۰۰/۱۱/۲۶

تاریخ وصول ۱۴۰۰/۸/۱۵

قصه‌گویی، خطاب‌النفس (تجربید)، استشهاد به آیات و داستان‌های قرآنی، به‌کارگیری تمثیل و ارسال‌المثل، مناجات، سوگندنامه، شکوه و گلابه، زشت‌نگاری (هزل و هجو) و قصه از زبان حیوانات استفاده کرده است.

واژه‌های کلیدی

اظه‌ری شیرازی، دیوان اشعار، آموزه‌های تعلیمی، شگردهای تعلیمی

۱- مقدمه

اندیشه‌های هر فردی در سخنان او آشکار می‌شود و با مطالعه آثار هر شخص می‌توانیم به باورها و افکار او پی‌ببریم؛ درحقیقت ادبیات انعکاس‌دهنده عواطف، اندیشه‌ها، اعتقادات، فرهنگ و آداب رسوم یک ملت است؛ پس یکی از منابعی که برای شناخت ویژگی‌های فکری و اخلاقی یک قوم می‌توانیم از آن بهره‌مند شویم، بررسی آثار ادبی بازمانده از ادبای آن قوم در دوره‌های مختلف تاریخی است. اظه‌ری شیرازی یکی از شاعران شیعه‌مذهب قرن یازدهم هجری قمری است. او در دوران صفوی زندگی می‌کرده و به‌دنبال لشکرکشی‌های آن‌ها، به قراباغ رفته و باتوجه‌به فراین، بیش از بیست سال در آنجا زندگی کرده است. دیوان اشعارش با بیش از ده هزار بیت به نام رساله کمال است که نگارندگان این مقاله آن را تصحیح کرده‌اند؛ نیز درپی معرفی شاعر و جنبه‌های مختلف اشعار او هستند. با بررسی و شناخت ویژگی‌های دیوان اظه‌ری مشخص شد وی در کنار مضامینی مانند منقبت و مدح و عشق، از مضامین تعلیمی و اخلاقی نیز در اشعارش به میزان توجه‌برانگیزی بهره‌برده و در قالب‌های قصیده، غزل، قطعه، مثنوی و رباعی، طیف گسترده‌ای از این ویژگی‌ها را تبیین کرده است. اشعار تعلیمی اظه‌ری - که در خطاب به مخاطب عام سروده شده است - نمایانگر بخشی از کارکردهای اجتماعی شاعر و افکار و اعتقادات اوست.

رویکرد این پژوهش توصیفی - تحلیلی مبتنی بر متن اشعار اظه‌ری شیرازی و منابع اسنادی - کتابخانه‌ای است. نویسندگان با پاسخ به این پرسش بنیادی که « کدام مؤلفه‌های

تعلیمی در شعر وی مشهود است و اظهري برای تبیین این مؤلفه‌ها از چه شیوه‌هایی در اشعارش استفاده کرده است؟» استدلال می‌کنند که اظهري به سبب اهمیت موضوع آموزش و تعلیم، موضوعات مختلف اخلاقی و اجتماعی را در قالب‌های مختلف شعری ریخته است؛ نیز آگاهانه و با قصد قبلی آن‌ها را مطرح کرده و از هنر شاعری خود برای آموزش آن‌ها یاری جسته است؛ چنانکه می‌توان گفت اظهري بخش‌های مختلفی از دیوان خود را به تعلیم و آموزش مکارم اخلاق اختصاص داده و حتی در دیباچه‌های مشهور موجود در آغاز قصاید و غزلیات خویش و ترقیمه رساله کمال خود نیز با دعوت به نیکی‌ها و نکویش زشتی‌ها به شیوه‌های مستقیم و غیرمستقیم این مهم را فروگذار نکرده است.

۱-۱ بیان مسئله

در ادبیات هر ملت، آثار منظوم و منثور فراوانی دیده می‌شود که به موضوعاتی مانند دعوت به درستی و راستی و تهذیب اخلاق، آموزش دانش یا هنری خاص اختصاص یافته‌اند؛ این آثار از نظر دانش انواع ادبی، تعلیمی به شمار می‌روند (رک. شمیسا، ۱۳۸۷: ۲۵۵). بهره‌گیری از فرصت‌ها، دعوت به خاموشی، قناعت، تواضع و فروتنی، ترک دنیا و دیگر موضوعات اخلاقی محور اصلی آثار تعلیمی است. شعر تعلیمی در قدیم، بیشتر شامل سروده‌های اخلاقی و مذهبی و عرفانی است و در دوره‌های بعد موضوعات سیاسی و اجتماعی وارد آن می‌شود و این نوع شعر را غنی‌تر می‌کند (رک. رزمجو، ۱۳۹۰: ۹۹). افزون‌بر این، آثاری نیز وجود دارند که زیرمجموعه دیگر انواع ادبی شمرده می‌شوند؛ اما در لابه‌لای متن آن‌ها، تعلیم اخلاق و نیکی نمایان است. پیوند نوع تعلیمی با دیگر انواع ادبی حتی در آثاری که درونمایه‌های تغزلی و حماسی دارند نیز بسیار یافت می‌شود (رک. مشرف، ۱۳۸۹)؛ این موضوع می‌تواند از یک سو نتیجه ماهیت ادبیات فارسی و ارتباط عمیق آن با فرهنگ ایرانی - اسلامی باشد و از سوی دیگر برخاسته از تمایل درونی شاعران ایرانی به پیشرفت انسان با آگاه‌کردن او (رک: یلمه‌ها، ۱۳۹۶: ۵) و جوامع بشری است. فراوانی آموزه‌های تعلیمی و اخلاقی در انواع آثار ادبی فارسی نشان‌دهنده اهمیت تعلیم اخلاقی و آموزش آن به انسان‌ها در فرهنگ ایرانی - اسلامی است.

اظهري شیرازی از شاعران پارسی‌گوی قرن یازدهم هجری است که با سرودن بیش از

ده هزار بیت در قالب‌های قصیده، غزل، قطعه، مثنوی و رباعی، مهارت شاعری خود را اثبات می‌کند. وی در قصایدش به خاقانی و انوری نظر داشته و در عین حال به شیوه عهد صفوی دوسوم قصایدش نعت و منقبت ائمه اطهار^(ع) است. اظهري در قطعانش فراز و نشیب‌های زندگی یک انسان معمولی را - که در اغلب اوقات به نصیحت و تعلیم نیاز دارد - به تصویر می‌کشد. او در مثنوی‌هایش در قالب داستان و هزل به شیوه غیرمستقیم، به تعلیم آموزه‌های اخلاقی می‌پردازد که تداعی‌کننده این ابیات مولاناست:

هزل تعلیم است آن را جد شنو تو مشو بر ظاهر هزلش گرو
هر جدی هزل است پیش هازلان هزل‌ها جدست پیش عاقلان
(مولوی، ۱۳۸۹، د ۴: ۳۵۵۸ و ۳۵۵۹)

همچنین در رباعیات اظهري نیز آموزه‌های تعلیمی، مستقیم و غیرمستقیم، آشکارا دیده می‌شود؛ از این رو در این مقاله، رساله کمال اظهري با هدف شناخت و تحلیل مهم‌ترین مضامین اخلاقی و تعلیمی شعر وی بررسی می‌شود.

۲-۱ روش پژوهش

با مطالعه کتاب *اعلام اصفهان* (مهدوی، ۱۳۸۸: ۵۶۱) به وجود اظهري، شاعر ناشناخته عصر صفوی، پی بردیم. با مراجعه به فهرست نسخه‌های خطی *ایران* (درایتی و فلاح، ۱۳۹۴، ج ۱۴: ذیل واژه) مشخص شد دیوان اشعار اظهري تاکنون تصحیح و چاپ نشده است و تنها یک نسخه از آن در کتابخانه مدرسه شهید مطهری (سپهسالار) نگهداری می‌شود (حدائق شیرازی، ۱۳۱۶، ج ۲: ۵۳۱)؛ از این رو پس از تصحیح متن نسخه به روش قیاسی، معرفی شاعر و ویژگی‌های شعری وی به شیوه توصیفی - تحلیلی با استفاده از اسناد کتابخانه‌ای، مبتنی بر اشعار *رساله کمال اظهري* شیرازی انجام شد.

۳-۱ پیشینه پژوهش

به سبب گستردگی نوع تعلیمی در ادب فارسی، درباره ادبیات تعلیمی و جایگاه آن در متون ادبی آثار متعددی نوشته شده است؛ از آن جمله می‌توان به کتاب‌ها و مقالات ذیل اشاره کرد:

«جستارهایی در ادبیات تعلیمی ایران» از مریم مشرف (۱۳۸۹)؛ «نقد و نظری بر

شعر گذشته پاریسی» از حسین رزمجو (۱۳۸۲): مقاله «بررسی خاستگاه ادبیات تعلیمی منظوم و سیر تطور و تحول آن در ایران» اثر احمدرضا یلمه‌ها (۱۳۹۵)؛ «شگردها و علل و انگیزه‌های کاربرد مضامین تعلیمی در منظومه‌های غنایی باتکیه بر منظومه نویافته ناز و نیاز» اثر احمدرضا یلمه‌ها (۱۳۹۶)؛ «کارکردهای تعلیمی ادبیات» از احمد رضی (۱۳۹۱)؛ «تبارشناسی ادبیات تعلیمی» از منا علی مددی (۱۳۹۴) و ...

به سبب آنکه نسخه رساله کمال اظهري هنوز به چاپ نرسیده است، به جز مقاله «معرفی رساله کمال اظهري شیرازی به همراه تحلیل محتوایی و ساختاری آن» از نویسندگان همین مقاله که در مجله متن شناسی ادبی (۱۴۰۰) چاپ شده است، تاکنون پژوهشی در قالب مقاله، کتاب یا پایان‌نامه انجام نشده است که به بررسی مؤلفه‌های تعلیمی در رساله کمال پرداخته باشد و این امر بیانگر اصالت تحقیق است.

۲- چارچوب نظری پژوهش

۲-۱ معرفی شاعر

بوداق اظهري شیرازی، شاعر گمنام قرن دهم و یازدهم هجری، بر مبنای اشعارش به احتمال بسیار در سال ۹۹۱ ق. متولد شد و حداقل تا هفدهم ربیع‌الاول سال ۱۰۵۴ ق. زندگی می‌کرده است. او خود در ترقیمه رساله کمال درباره تاریخ نگارش اثرش چنین گفته است: «در مقام زکم قراباغ به تاریخ هفدهم شهر ربیع‌الاول سنه ۱۰۵۴ (پیچی ئیل) قلمی شد» (اظهري، بی‌تا: ۳۳۶ ب). از بین قدما فقط صاحب‌الذریعه چندسطری درباره اظهري نوشته (رک. آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳، ج ۹: ۸۰) که همان مطالب را مرحوم صفا نیز در تاریخ ادبیات خود آورده است (رک. صفا، ۱۳۶۴، ج ۵/۲: ۱۱۸۱-۱۱۸۳). در این آثار، هیچ مطلبی درباره خاندان، بازماندگان و فرزندان اظهري وجود ندارد. مختصر دانسته‌های ما درباره اظهري و اشعارش، رهاورد تصحیح و بررسی اشعار رساله کمال اوست. بنابر اشعار شاعر، مشخص می‌شود که وی از درباریان شاه عباس صفوی است و در لشکرکشی شاه به گرجستان او را همراهی می‌کرده و به دستور پادشاه مدتی نامعلوم آنجا مانده و کتابت دیوان خویش را نیز در آنجا (زکم قراباغ) به پایان رسانده است.

اظه‌ری خود را والا‌گهر خوانده است: «گوهر نسیم را پرتوی است متزاید از توصیف و شاهد معرفتم را لطافتی است متجاوز از تعریف...» (اظه‌ری، ۱۰۵۴: ۸ و ب)؛ نیز خود از نسل خاندان زنگی شیراز دانسته است:

اگر ستایش آبای خود کنم شاید که راجع‌اند به زنگی که فاش سرهنگی است
(قطعه ۴۲ / ۵)

اظه‌ری پدر خود را - که مقصودبیک نام داشته است - اصیل، شیرازی‌نژاد، نویسنده و جنگجویی ماهر خوانده و با صفات «همایون گوهر»، «شیرازمعدن»، «عطارذفعل» و «بهرام جوشن» از او یاد کرده است؛ مادرش را نیز پاکدامن خوانده است. از همسر و فرزندان اظه‌ری نیز اطلاعاتی نداریم، به‌جز اینکه یکی از فرزندان او همانم پدرش (مقصودبیک) بوده است:

باشد پسر مرا و پدر خوانمش از آن همجنس با اصالت و همانم با نیاست
مقصودبیک آن گل باغ حیات من کز گرد خاک مرقد او زیور صباست
(قطعه ۶۹: ۱۰ و ۱۱)

اظه‌ری فرزند دیگری نیز داشته است که طبق ماده تاریخ موجود در اشعارش در سال ۱۰۲۲ متولد شده است؛ اما هر دو به همراه شش نفر دیگر از بستگانش بر اثر بیماری وبا از دنیا رفته‌اند و اظه‌ری برای آن‌ها مرثیه‌سرایی کرده است (رک. قصاید ۶۹ و ۷۰). اظه‌ری از جوانی شعر می‌گفته و بدین سبب از وزیر روزگار خویش لقب «مولانا» گرفته که آن را مایه افتحار خود دانسته است. بنابر اشعار اظه‌ری، او با «حکیم شفایی اصفهانی» (۹۹۶-۱۰۳۸)، «محمدرضا فکری اصفهانی» (ت. ۱۰۲۰) (قطعه ۱۶۰)، «طالب اصفهانی» (م. ۱۰۳۰ ق.) (قطعه ۴۱) و بنابر قطعه‌های ۱۱۵ و ۱۱۷ با «مقیم جعفری شیرازی»، شاعر قرن دهم و یازدهم (رک. نصرآبادی، ۱۳۷۸: ۲۶۶) معاصر بوده است.

اظه‌ری رفاه نسبی داشته و مدتی هم والی قلعه بُست بوده است که به رسم روزگار، از آن به وزیری یاد کرده و به‌سبب گرفتاری‌های حاصل از آن دوران، بارها شکوه کرده است. به‌طورکلی در سراسر اشعار اظه‌ری به‌ویژه قطعات و غزل‌های وی شکایت دوری از وطن و آرزوی بازگشت به شیراز بسیار دیده می‌شود. دوران دوری وی از وطن و

سکونت او در قراباغ مشخص نیست؛ ولی به اندازه‌ای بوده که شاعر احتمالاً کتابت دیوان خویش را نیز در آنجا به پایان رسانده است (برای مطالعه بیشتر رک. چینی، طاهری و مدرس‌زاده، ۱۴۰۰: ۹۵-۱۱۸).

۲-۲ رساله کمال اظهري

تنها اثر به‌جامانده از اظهري، دیوان اشعار اوست که خود آن را رساله کمال نامیده است. از این اثر، تنها یک نسخه در دست است که در کتابخانه مدرسه عالی شهید مطهري (سپهسالار) نگهداری می‌شود. تصویر همین نسخه در کتابخانه دانشگاه تهران و لوح فشرده آن در کتابخانه ملی نگهداری می‌شود. این اثر به خط خوب نستعلیق به دست خود شاعر بر روی ۳۴۳ برگ کاغذ کاهی کتابت شده است (رک. حدایق شیرازی، ۱۳۱۶، ج ۲: ۵۶۰-۵۶۴). بدین ترتیب اظهري حدود یازده هزار بیت را با مضامین گوناگون، در قالب‌های مختلف شعری با عنوان رساله کمال (رک. اظهري: ۲) از خود به یادگار گذاشته است.

اظهري افزون‌بر اشعار خویش که در قالب‌های شعری قصیده، غزل، قطعه، مثنوی و رباعی سروده شده‌اند، دو دیباجه منثور موزون و مسجع بر وزن و سبک گلستان سعدی و ترقیمه‌ای با همین سبک و شیوه در خاتمه اشعار خویش آورده است. نخستین دیباجه اظهري در آغاز رساله کمال قرار گرفته و شاعر پس از اتمام آن، قصاید خویش را قرار داده است؛ قصاید وی در نعت و منقبت چهارده معصوم^(ع) و شاه عباس و شاه صفی و بزرگان دربار صفوی سروده شده است؛ مضامین گوناگون شعری و ترتیب مطالب در قصاید اظهري، یادآور منظومه‌های از پیش اندیشیده فارسی است؛ چنانکه سرآغاز مطالب و پیوستگی و ارتباط مضامین شعری نیز سنت تحمیدیه سرایی را به خاطر می‌آورد. پس از قصاید، دیباجه دوم، و قبل از شروع غزلیات توضیحاتی درباره مضامین غزل‌ها و صنایع شعری موجود در آن‌ها قرار دارد. اظهري عشق و عواطف درونی خود را در غزلیاتش ترسیم می‌کند و در قطعات خود زندگی واقعی‌اش را برای خواننده به تصویر می‌کشد؛ اتفاقاً در بخش‌های توجه‌برانگیزی، آن‌ها را با پند و اندرز و تعلیم نیکی‌ها آمیخته است. وی شش قطعه شعر در قالب مثنوی نیز سروده که مهم‌ترین آن‌ها ساقی‌نامه‌ای زیبا و

طولانی‌ترینش نیز دو داستان هزل‌آمیز است. نکته توجه‌برانگیز اینکه این مثنوی‌ها در بین قطعه‌های شاعر جای گرفته‌اند؛ به گونه‌ای که پس از اتمام آن‌ها دوباره قطعه‌سرایی خود را ادامه داده است. آخرین قالب شعری در بردارنده اشعار اظه‌ری، رباعیات اوست که شاعر بیشتر آن‌ها را به تبیین اندیشه‌های فلسفی، عشق، هزل و گاه پند و اندرز اختصاص داده است تا خوانندگان، سخن وی در دیباچه آغازین دیوان اشعار اظه‌ری را تصدیق کنند: «گاه به شیرازه نکته، دل دوستان به هم پیوندد و گاه به شیون بذله بر جهانیان خندد» (اظه‌ری: ۶۰).

جدول شماره ۱: بخش‌های رساله کمال

بخش	قالب‌ها	قصاید	غزلیات	قطعات	مثنوی	رباعیات
منظوم	محتوا	نعت و منقبت، مدح و...	عاشقانه	ماده تاریخ، هزل، هجو و...	وصف شراب، هزل، ارزش سخن و...	عاشقانه، عارفانه و...
	تعداد ابیات	۳۴۰۲	۴۴۹۴	۱۲۰۸	۲۷۱	۱۰۱۰
بخش منشور	تحمیدیه و مقدمه‌ای برای شرح دیوان، قبل از غزلیات و شرحی درباره آن و ترقیمه پایانی					

۳- رساله کمال و آموزه‌های تعلیمی

«ادبیات تعلیمی بسیار گسترده است؛ اما نوع ادبی منظور ادیبان آن است که شاعر یا نویسنده به قصد تعلیم و تربیت آن را سروده یا نگارش کرده است» (یلمه‌ها، ۱۳۹۵: ۸۶). «برخورداری از زیبایی‌های ادبی ادبیات تعلیمی به نوعی با همه انواع دیگر ادبی در آمیخته است و این مسئله شدت و ضعف دارد. علت این امر آن است که هر خالق اثری از خلق اثرش هدفی دارد و در پی آن است که پیامی را به دیگران برساند» (اسکیلاس، ۱۳۸۷: ۲۱۹). رساله کمال اظه‌ری شیرازی نیز یکی از آثار است که مضامین تعلیمی، حماسی، غنایی و گاه دینی را در قالب‌های شعری قصیده، غزل، قطعه، مثنوی و رباعی به هم آمیخته است. اظه‌ری شیعه‌مذهب در دیوان بیش از ده هزار بیتی خود بسیاری از نکات

می‌گویند حکمت اینکه خداوند به انسان دو گوش و یک زبان عطا کرده، این است که بیش از آنکه سخن بگوید، حرف دیگران را گوش کند و تا حد امکان سخن نگوید (رک. قشیری، ۱۳۸۸: ۲۶۴). اظهري نیز درباره کم‌گویی و پرهیز از طول کلام چنین می‌گوید:

بعد از این ختم سخن به بود از طول کلام

بس بود بر فرس طبع عنان جنبانی

(اظهري، ۱۰۵۴: ۱۴ ب قصیده ۴۰ / ۱۵)

گاه اظهري خواننده را به جای پرگویی به دقت و بصیرت در امور دعوت می‌کند؛ گاهی نیز نهی از سخن گفتن به علت نادرستی سخنان گوینده است:

زبان بند اظهري و دیده بگشا تو چون درماندگان داری نگاهی

(همان: قصیده ۴۳ / ۱۷)

مگشا لب به سخن اظهري امروز که هست گفت و گوهای تو دور از صفت انسانی

(همان: قصیده ۱۴ / ۳۰)

۳-۱-۲ بازداشتن از حرص و طمع

حرص و طمع یکی از صفات نفسانی و ناشایست است که اظهري بارها به شیوه‌های مختلف این آموزه اخلاقی را مطرح و مخاطب را از آن نهی کرده است؛ از جمله طمع‌ورزیدن به ثروت دنیوی، مال یتیمان، دارایی عاجزان و... اظهري نتیجه حرص و طمع را غم و اندوه و غفلت از عیش جاودانی دانسته و مخاطبان را از آن برحذر داشته است:

درگذر زین حرص ای محتاج دائم تا به کی

از زر و سیم جهان خواهی به نام خود رواج

چند از مال یتیمان می‌ربایی سیم و زر

چند داری بر متاع بینویان چشم باج...

غافل افتادی ز عیش جاودان خویشتن

بس که از ره بردت این اندیشه‌های تخت و تاج

(همان: قطعه ۴۶ / ۵-۱)

۳-۱-۳ بازداشتن از بخل و خست

بخل و خساست از آفات روحی است که موجب رنجش خود و دیگران می‌شود و انسان را از آستان الهی دور می‌کند (رک. غررالحکم و دررالکلم: ۲۹). اظهري نیز برای برحذر داشتن از بخل در توصیف بخیل و خسیس می‌گوید:

ذره بر بایسد از هـوا در دم	دل، غضنفر چو بر فریب نهد...
نانی از بخل نشکند سالی	گرس را منت شکیب نهد...
هر کجا خشک و تر گهی بیند	خورد و نام او نصیب نهد
عکس زر گر به دیده‌اش افتد	دیده را بر کند به جیب نهد

(اظهري، ۱۰۵۴: قطعه ۱۰۷)

۳-۱-۴ بازداشتن از پر خوری

در نظام آفرینش «خوردن» موجب تقویت جسم و در نتیجه انجام وظایف زندگی و بندگی است؛ در حالی که اگر بیش از حد نیاز باشد برای سلامت جسم و روح زیانبار است. در واقع پر خوری و شکم پرستی یکی از صفات حیوانی است که باعث هلاکت انسان می‌شود. اظهري نیز این صفت را ناپسند دانسته است و هم نشینی با چنین اشخاصی را موجب اتلاف عمر گرانمایه می‌داند:

از گرانمایه عمر حیف که شد	در میان خسیس چند تلف
این شکم پروران چو گاوانند	که ندانند غیر آب و علف

(همان: قطعه ۱۵۴ / ۱ و ۲)

۳-۱-۵ نهی از ستمگری در حق دیگران

ظلم و ستم در حق دیگران از صفات ناپسندی است که بخشیده نمی‌شود و افزون‌بر عذاب اخروی، عقوبت دنیوی نیز خواهد داشت (رک. مجلسی، ۱۳۹۸، ج ۷۴: ۷۴). اظهري نیز ستمگر را ذلیل می‌داند و مخاطب را به ترک ظلم تشویق می‌کند:

در کف حادثه جز غم نتوان دید اسیر	جز ستم در همه عالم نتوان یافت ذلیل
----------------------------------	------------------------------------

(اظهري، ۱۰۵۴: قصیده ۳ / ۲)

به نصیحت گر آن ترک بگو ترک کند	تا به هر کس که کند جور یکی صد نکند
--------------------------------	------------------------------------

(همان: غزل ۲۹۲ / ۲)

۳-۱-۶ بازداشتن از غمّازی و بدگویی

از صفات ناپسند در جوامع بشری سخن چینی، غیبت و بدگویی از دیگران است که گاه عواقب جبران‌ناپذیری برجا می‌گذارد. اظهاری غمّازی را زشت‌ترین عیب، بدگمانی را بلا و بدگویی را شرم‌آور توصیف می‌کند و مخاطب را از این صفات ناشایست برحذر می‌دارد:

هیچ عیبی نبود زشت‌تر از غمّازی

من نگویم که سخن دزد فلان است و فلان

(همان: قطعه ۳/۱۶۰)

نیست شرم‌ت که به غیبت ز من این حرف زنی

در کجا با توام از مذهب و دین رفته مقال

(همان: قطعه ۳/۲۰۷)

خصمی ز رشک مهر تو دل را به جان بود

باشد بلا که کس به کسی بدگمان بود

(همان: غزل ۱/۲۹۶)

۳-۱-۷ مذمت فالگیری و رمالی

انسان موجودی کنجکاو است و از روی غریزه علاقه دارد از آینده خود آگاه شود. از زمان‌های دور فالگیری و طالع‌بینی یکی از روش‌های خرافی برای پاسخ به این حس کنجکاو بوده است و بعضی از افراد نیز از این نیاز انسانی سوءاستفاده می‌کرده‌اند. هرچند فال خوب یا بد، اثر واقعی در زندگی انسان ندارد؛ ولی تأثیر آن بر روح و روان اشخاص می‌تواند موجب امیدواری بیهوده یا ناامیدی آزاردهنده شخص و آزار و اذیت عوام شود. به سبب رواج فالگیری و رمالی و به‌طورکلی علوم غریبه در دوره صفویه، اظهاری نیز مخاطب را از این امر بازداشته است:

هرگز به فال و رمل مرو پیش بایزید

رمل افکند ز دست و پس آنکه ز پینکی

زیرا که آگهیش نباشد از این جهان

از این جهان کند سفر عالم دگر

از عالم غریب به فالت دهد خبر؟! (همان: قطعه ۱۰۶)

۳-۱-۸ نکوهش دنیاپرستی و تعلق خاطر به مادیات

در ادبیات فارسی، دنیا با القابی متفاوت مانند عروس، جیفه، چاه و... توصیف شده است که طالب آن هرگز به آن نمی‌رسد. وابستگی به دنیا و مادیات موجب هبوط آدمی و دوری از آستان الهی می‌شود؛ از این رو دنیا دوستی منشأ همه گناهان شمرده می‌شود (رک. عاملی، ۱۳۹۷: ۲۷۷). اظهاری نیز با این اعتقاد، وابستگی از دنیا و مافیها را راه رسیدن به رستگاری می‌داند و مخاطب را از دل‌بستگی به دنیا برحذر می‌دارد:

به دین آخرتی سعی کن که وارستن بسی خوش است خدایت بدل دهد افزون

(اظهاری، ۱۰۵۴: قطعه ۱۸۰/۱۰)

ای نفس شکم خواره نمی‌گردی سیر بر سفره روزگار مهمان تا چند

(همان: رباعی ۴۹۳)

و دنیاپرستان را مذمت کرده است:

ز بس که دل به جهان بسته‌اند این دونان

به جز متاع جهان آرزو نمی‌آرنند...

عجب زمانه پرسفله در میان آمد

که غیر زر به خدا سر فرو نمی‌آرنند

(همان: قطعه ۱۷۹: ۱ و ۴)

او برای اقناع مخاطب، وضعیت خویش را این‌گونه توصیف می‌کند:

به طرح وضع جهانم نمانده حسرت دل

نه زیب خسن فریبم دهد نه زینت مال

(همان: قصیده ۹/۱۷)

۳-۱-۹ مذمت کبر و خودستایی

بعد از این بس کنم این حرف که در نزد خرد

مدح خود گفتن کس، نیست جز از نادانی

(همان: قصیده ۲۶/۱۴)

اظهاری بگذر از این وادی زین نکته مناز

که بود مدحت خود اهل هنر را نقصان

(همان: قصیده ۵۶/۵۲)

یکی از رذایل اخلاقی که انسان را از رسیدن به معنویات بازمی‌دارد، کبر و نتیجه آن خودبینی و خودستایی است. اظهري خودستایی را صفت افراد دون‌پایه می‌شمارد؛ پس در ضمن اینکه خود را از این صفت ناپسند دور می‌کند، دیگران را نیز به ترک آن دعوت می‌کند:

۱-۳-۱۰ برحذر داشتن از ریاکاری: ریا از صفات ناپسندی است که انسان را از مرتبه انسانی دور می‌کند. هرگاه انسان با هدف خودنمایی، کارهای نیک انجام دهد و هدف او فرمانبرداری از خدا و تقرب به وی نباشد (رک. قرشی، ۱۳۹۱، ج ۱۷: ۳۰)، خداوند او را به همان کسی واگذار می‌کند که برای او نیکوکاری کرده است (رک. کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲: ۲۹۳)؛ نیز با برآورده‌نکردن نیازهای او، وی را نیازمند هموعان خود می‌کند؛ از این رو اظهري به ترک ریا سفارش می‌کند و می‌کوشد خود را از ریاکاری و تبعات آن نجات دهد:

به روی خلق تا کی اظهري دلخ ریا پوشم

وجود خود بَری زین خرقة سالوس می‌خواهم

(اظهري، ۱۰۵۴: غزل ۷/۴۶۱)

۱-۳-۱۱ بازداشتن از بیهوده‌گویی و ناپسندگویی

با اینکه سخن‌گفتن یکی از امتیازات انسان بر دیگر موجودات است، همواره انسان از بر زبان‌راندن سخنان ناشایست، بیهوده، زشت و همچنین بی‌موقع سخن‌گفتن و فراتر از حد خود سخن‌گفتن منع شده است. این موضوع در ادبیات فارسی پیشینه‌ای کهن دارد؛ چنانکه باب ششم و هفتم *قابوسنامه* به آن اختصاص یافت است (رک. عنصرالمعالی، ۱۳۹۰: ۲۹-۶۰). اظهري نیز در سراسر دیوان خود به این موضوع پرداخته؛ تاجایی که یکی از مثنوی‌های خود را نیز مستقلاً به آن اختصاص داده است؛ اما بیشترین نهدی از بیهوده‌گویی و زشت‌گویی در شعر اظهري در خطاب‌النفس‌های او نمایان است که به‌شیوه غیرمستقیم و خطاب به خویشتن، مخاطب را از سخنان ناشایست برحذر داشته است:

بدار اظهري دیده بر رحمت او ولیکن مزن اینچنین حرف بی‌جا

(اظهري، ۱۰۵۴: قصیده ۵۲/۲)

تن زن از گفته بیهوده به صد استغفار بگشا از قلم نعت، دم حسّانی

(همان: قصیده ۲۰/۱۵)

اظهري عقیده دارد برای اینکه سخنی موجب آرامش و آسایش روحی مخاطب شود، باید در دل مخاطب اثر کند:

آن سخن کز سر ناز است چو داروی طبیب

روح افزا نشود تا نکند در دل کار

(همان: قصیده ۲۸ / ۳۶)

۲-۳ آموزه‌های ایجابی

۱-۲-۳ دعوت به قناعت

بسیاری از شاعران و ادیبان شعر و هنر خود را وسیلهٔ امرار معاش و ثروت‌اندوزی قرار داده‌اند؛ اما گروهی از آن‌ها با این عقیده که قناعت مایهٔ عزت آدمی شمرده می‌شود - «عز من قنع و ذل من طمع» (نراقی، ۱۳۶۱: ۳۰۴) - با قناعت‌پیشگی شعر را دستمایهٔ سؤال قرار نداده و عزت نفس خویش را حفظ کرده‌اند. اظهري نیز با اعتقاد به اینکه زبان آن که توصیف و ستایش را وسیلهٔ کسب نعمت دنیا می‌کند، باید با گزلك غیرت برید، می‌گوید خود به سبب انتخاب گنج بی‌پایان قناعت (رک. نهج البلاغه، حکمت ۵۴) هیچ‌گاه لب به خواهش از دیگران نگشوده است:

نگشودم لب خواهش به کسی در همه حال شاهد این سخنم هست غنی تا به فقیر

(اظهري، ۱۰۵۴: قطعه ۱۸ / ۲)

گر برای نعمت دنیا کند وصف کسی طبع را با گزلك غیرت کنم قطع اللسان

(همان: قطعه ۳۴ / ۲)

وی به سبب انزجار از درخواست و سؤال، مدح ممدوحان ناشایست را با بی‌آبرویی مساوی می‌داند:

در سخن گاهی ظرافت می‌نمایم ورنه کسی آبروی طبع خود ریزم به وصف ناکسان

(همان: قطعه ۳۴ / ۱)

۲-۲-۳ دعوت به تواضع و فروتنی

تواضع که در متون ادب تعلیمی و عرفانی با عنوان‌هایی دیگر مانند فروتنی، افتادگی و خاکساری خوانده می‌شود، بدین معناست که شخص خود را در صفات کمال از

دیگران برتر نمی‌شمرد و قلبی، بر امر خدا گردن می‌نهد و کسی را به دیده حقارت نمی‌نگرد (زمانی، ۱۳۹۳: ۷۱۶). توصیه به تواضع از موضوع‌های مهم ادب تعلیمی است. اظهاری نیز تکبر را موجب پستی انسان، و فروتنی را عامل بلندمرتبگی او می‌داند:

مقام پستی، مغرور از منی گیرد بلندپایه شود گر فروتنی گیرد
(اظهاری، ۱۰۵۴: غزل ۱/۲۱۵)

از آفتاب لطف نما سرفرازِ اوج این ذره را که جای به خاک فروتن است
(همان: قطعه ۷/۱۶۴)

۳-۲-۳ دعوت به نیکوکاری و چشم‌پوشی از خطای دیگران

یکی از صفات پسندیده انسان، احسان و نیکوکاری است که خداوند همواره بندگان را به آن می‌خواند؛ چنانکه در روز قیامت فقط نیکوکاران هستند که از خداوند پاداش می‌گیرند (رک. دیلمی، ۱۴۲۴ ق، ج ۱، ب ۵: ۳۵۶)؛ اظهاری می‌گوید همان‌طور که خالق جهان‌آفرین با همه کرم خویش میان نیکی و بدی تفاوت نهاده است، پس نیکوکاری یکی از صفات شایسته‌ای است که انسان باید بدان متصف شود و درعین حال چنان سعه صدر و بزرگ‌منشی داشته باشد که از بدی‌های دیگران چشم‌فرویند:

چشم زپی دیدن نیکی باشد حاشا که نظر بر بدی‌ام بگشاید
(اظهاری، ۱۰۵۴: رباعی ۲/۲)

خدا نهاده تفاوت میانۀ بد و نیک اگرچه خلق جهان جمله آفریده اوست
(همان: قطعه ۶/۲۰۴)

به غیر نیکی آید چه دیگر از ذاتت که آفریده خدایت به بهترین خصال
(همان: قصیده ۱۷/۵۰)

۳-۲-۴ دعوت به صبر و بردباری

اظهاری با بسامد بسیار، مخاطب را به صبر و خویشنداری و آرامش در برابر بلاها و حوادث فرامی‌خواند و از خداوند درخواست می‌کند صبری ایوب‌وار به عاشقان عطا کند؛ او تنها چاره انسان در برابر بلاهای روزگار و اشتباهات خود را شکیبایی‌ورزیدن می‌داند:

بهر هر کار به عاشق بده ایزد غم صبر از کجا داد چنان صبر که ایوب کند
(همان: غزل ۶/۲۰۲)

باز گفتم که بکن صبر دگر چاره نماند
خود بدینسان چو فکندی به سر خود دیوار
(همان: قصیده ۲۸ / ۷۴)

۳-۲-۵ دعوت به توبه و پرهیز از معصیت

توبه به معنی بازگشت و ترک گناه از موضوعات مهمی است که انسان باید به آن توجه خاص داشته باشد تا در صورت ارتکاب گناه، با شناخت مضرات گناه - که لازمه توبه است (رک. فیض کاشانی، ۱۳۸۳، ج ۷: ۵) - با عزم جدی به فرمانبرداری از خداوند بازگردد؛ نص صریح قرآن (بقره: ۲۲۲) مبنی بر اینکه خداوند توبه‌کنندگان را دوست دارد، خود مؤید این امر است؛ بنابراین اظهاری از خداوند، توفیق توبه می‌طلبد و نیز دیگران را به توبه و بازگشت به اطاعت از خدا می‌خواند:

داورا عذر من عاصی گمره پذیر
که گه خشم خداوند بود عذر دخیل
(اظهاری، ۱۰۵۴: قصیده ۳ / ۲۹)
گذار، روی به درگاه ایزد متعال
بخواه عذر گناهان خویشان یکسر
(همان: قصیده ۵۰ / ۲۸)

۳-۲-۶ دعوت به فراموش نکردن یاد مرگ

مرگ از هر چیزی به انسان نزدیک‌تر است و هیچ شخصی نیست که بتواند ادعا کند از مرگ خویش باخبر است یا گرفتار آن نخواهد شد؛ از این رو آدمی باید پیوسته با یاد مرگ لحظه‌ای از آن غافل نباشد. اظهاری نیز ضمن اشاره به این موضوع، نگرانی خود را از مرگ اظهار می‌کند و آن را جایز می‌داند؛ همچنین خود و دیگران را به آماده‌شدن برای آن فرامی‌خواند:

یعقوب در فراق جگرگوشه کور شد
گر من به درد مرگ بگیرم چرا خطاست؟
(همان: قصیده ۶۹ / ۳)
آخر گذر جمله به سر منزل مرگ است
در قافله خلق همین پیش و پس هست
(همان: غزل ۹۲ / ۷)

۳-۲-۷ توصیه به ادای دین

از ویژگی‌های انسان‌های وارسته کمک به هم‌نوعان در شرایط خاص است. دین، مالی

از آن دیگری در نزد انسان است (نجفی، ۱۳۸۱: ۴۶۵) که بازگرداندن آن یا اصطلاحاً ادای دین بر مدیون واجب است (خویی، ۱۳۷۵، ج ۱: ۱۷۱)؛ از این رو اظهاری نیز به انجام این امر توصیه می‌کند و به فردی که پولی از او وام گرفته و برنگردانده است، تذکر می‌دهد که دین اخروی بر ذمهٔ اوست و باید برگرداند. اظهاری معتقد است ادای دین را خداوند حتی بیش از آنچه بوده است، جبران می‌کند:

که نقد بنده به نزد تو دین آخرت است

ولی دوات و قلم هدیه است بی چه و چون

به دین آخرتی سعی کن که وارستن

بسی خوش است خدایت بدل دهد افزون

(اظهاری، ۱۰۵۴: قطعه ۱۸۰/۹-۱۰)

۳-۲-۸ توصیه به مروت و جان‌نثاری

مروت و جان‌نثاری یکی از صفات پسندیده‌ای است که انسان همیشه به آن دعوت می‌شود. تلاش برای رواج کارهای خوب، نیکوکاری و منت نهادن از نشانه‌های برخورداری از مروت است (رک. محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۴، ج ۲: ۱۱۴) و از امتیازات انسان نیز شمرده می‌شود (رک. همان، ج ۹: ۱۱۰). اظهاری مروت و جوانمردی را صفت پرهیزگاران می‌شمارد و ایثار را مقدمهٔ دسترسی به مقصود و راه بهره‌مندی از آن را بی‌نیازی و وارستگی از مادیات می‌داند؛ از این رو مخاطبان خویش را به التزام این صفات سفارش می‌کند:

مروت از تو خداترس پُرعجب نبود

نگر به حالت چشم ز غصه رود و شط است

(اظهاری، ۱۰۵۴: قطعه ۱۶۲/۴)

گر بر سر کوی عشق افتد گذرت

باید که نخست بگذری خود ز سرت

از عالم کون چون شوی مستغنی

یک جو دو جهان نیآوری در نظرت

(همان: رباعی ۷۹)

۳-۲-۹ توصیه به شکرگزاری و کرم و بخشش

شکرگزاری از صفات پسندیده‌ای است که انسان در متون دینی و ادبی بارها به آن توصیه شده است؛ چنانکه شرط افزایش نعمات الهی به شمار رفته است: «أَلَيْسَ شَكَرْتُمْ لِأَزِيدَنَّكُمْ» (ابراهیم: ۷). اظهري نیز شکرگزار انعام و الطاف الهی است و معتقد است اگر همواره همه انسان‌های عالم به شکرگویی خداوند مشغول باشند، از پس شکرگزاری یکی از نعمات او، چنانکه باید، بر نمی‌آیند:

شکرالله که فرمانده عالم کرده است قلم رای مرا بر همه فرمانفرمای
گر به شکرش همه اوقات جهان صرف شود شکر یک نعمت او را نرسانند به جای
(اظهري، ۱۰۵۴: قطعه ۹۵)

اظهري افزون‌بر توصیه به سپاسگزاری از خدا، مخاطب خویش را به بخشندگی و کرم سفارش می‌کند تا به این صفت الهی که پاداش آن بهشت است (رک. پاینده، ۱۳۸۲: ۲۳۴)، متصف شود.

ای دلت مایه دریای عطا دست بگشا که مجال کرم است
(اظهري، ۱۰۵۴: قطعه ۸۲)

۳-۲-۱۰ دعوت به قیام در برابر ظلم

ظلم و ستم امری ناستوده و امر به استقامت در برابر ظلم و ظالم، امری پسندیده و اجتناب‌ناپذیر است (رک. هود: ۱۲). اظهري نیز که سکوت در برابر ظالم را موجب گستاخی او و تداوم ظلم می‌داند، خود و مخاطب را به قیام در برابر ظلم فرامی‌خواند:

ز دم برنیاوردن است این ستم‌ها رود شمع را سر ز کوزه‌زبانی
(اظهري، ۱۰۵۴: قصیده ۲۹ / ۲۹)

چو اظهري منم آن بیستون پابرجا که تیشه‌های ستم از سکون خود خوردم
(همان: غزل ۷ / ۴۷۷)

۳-۲-۱۱ توصیه به امیدواری به لطف الهی

لطف و مرحمت الهی از بزرگ‌ترین نعمات الهی است که همه موجودات از آن برخوردارند و بر همه آشکار است؛ اما گاه انسان به سبب فراموشکاری و گناهکاری لطف

و عنایت الهی را از یاد می‌برد و دچار یأس می‌شود. نومی‌دی از درگاه خداوند به اندازه‌ای ناپسند است که از بزرگ‌ترین گناهان و هم‌پایه شرک است و خداوند انسان را از نومی‌دی از رحمت الهی بازداشته است (رک. زمر: ۵۳) از این رو اظه‌ری نیز مانند دیگر شاعران بارها مخاطب را به امیدواری به لطف الهی می‌خواند و از نومی‌دی باز می‌دارد و فضل و بخشندگی خدا را عامل رحمت وی بر بندگان و بخشش گناهان ایشان می‌داند:

به لطف شامل او کار خویشتن بگذار
که بر تو رحم خود از فضل کردگار کند

(اظه‌ری، ۱۰۵۴: قصیده ۴۸/۱۶)

سر طاعت به ره قبله امید بنه
دست حاجت به در کعبه مقصود برآر

(همان: قصیده ۱۲۰/۲۸)

۴- شگردهای تعلیمی در رساله کمال

چنانکه گفته شد، پند و اندرز گاهی به شیوه مستقیم به مخاطب عرضه می‌شود و آشکارا وی را به ترک ذمائم و کسب نیکی‌ها دعوت می‌کند و گاه نیز به شیوه غیرمستقیم و ضمنی و در عین حفظ عزت نفس و حرمت مخاطب، نیکی‌ها به او آموزش داده می‌شود و از منہیات نهی می‌شود. اظه‌ری نیز برای آموزش آموزه‌های تعلیمی از هر دو شیوه مستقیم و غیرمستقیم استفاده کرده است که با توجه به ملموس بودن و تجربه‌پذیری آموزش به شیوه مستقیم در اینجا فقط به ذکر شگردهای تعلیمی غیرمستقیم اظه‌ری بسنده می‌شود:

۴-۱ آموزش از طریق قصه‌گویی

هرگاه رفاه اجتماعی در یک جامعه افزایش یابد، به تبع آن، شادخواری و سرخوشی هم (مثبت یا منفی) افزایش می‌یابد. یکی از راه‌های تبیین این مفاسد و بازداشتن از آن‌ها، شیوه غیرمستقیم و در عین حال شیرین و دلنشین قصه‌گویی است تا مخاطب هم به آسانی آن را به ذهن بسپارد و برای دیگران بازگو کند و هم بدون احساس تحقیر آن را به گوش جان بشنود و بپذیرد. در عهد صفوی با بهبود اوضاع اقتصادی، رواج قهوه‌خانه‌ها و قصه‌گویی و افزایش تفریح و شادی عمومی نمایان است. یکی از ویژگی‌های شاعران عهد صفوی بیان مشکلات ناشی از این شادکامی اجتماعی به شیوه هزل است. اظه‌ری هم

از این قاعده مستثنا نیست؛ او نیز دو داستان در قالب مثنوی با موضوع «در هجو قاضی میرم بروجردی» و هجو شخصی به نام «کارکیا» سروده و در آن‌ها مفاصد اخلاقی و اجتماعی و اثرات آن‌ها را به تصویر کشیده است:

ای کارکیا بین که چه آید به سر تو جز خر نشینند زن تا پسر تو
هم پنجه کنی با چو منی خود به چنین عقل تا بر سر بازار رود از تو بسی نقل
(اظهري، ۱۰۵۴: مثنوی ۱/۳ و ۲ و ...)

۴-۲ آموزش از طریق تجرید (خطاب‌النفس)

اظهري به‌طور متعدد، برای آموزش تعالیم مدنظر خویش از شیوه تجرید یا خطاب‌النفس استفاده می‌کند و با توصیه خود به اتصاف به صفات نیک یا پرهیز از صفات زشت، آن‌ها را به خواننده نیز سفارش می‌کند؛ البته گاهی این شیوه رنگ مفاخره در اشعار وی گرفته است:

– دوری از عشق‌ورزیدن به مهرویان

به خدا و به رسول آر سر عجز فرو اظهري سر زپی مهر‌عذاران مگذار
(همان: قصیده ۱۸/۷۲)

– دعوت به خویشتن‌داری و دعوت به سکوت

عنان خویش نگه‌دار اظهري تو که‌ای که طبع دون تو این گفت و گو شعار کند
(همان: قصیده ۱۶/۴۷)

بکش زمام سخن اظهري که تا من بعد دهان طبع نگردد ز لفظ خام اجاج

(همان: قصیده ۱۰/۲۹)

– توصیه به توکل

به امیدي نهاده هرکسی دل نداند اظهري غیر از توکل

(همان: غزل ۴۱۴/۶)

نباشد اظهري آن کام را عیش که شیرین نیست از شهد توکل

(همان: غزل ۴۱۳/۷)

۳-۴ استشهداد به آیات و داستان‌های قرآنی

ز لعل و خال تو کام دل خود اظهری گیرد

ز تقسیم ازل هر مرغ آب و دانه‌ای دارد

(غزل ۲۸۶: ۱۰)؛ (رک. انعام: ۱۵۱)

گر از دم عیسی است، مداوا نکند سود

آن را که جراحات دل از زخم زبان است

(همان: اظهری، ۱۰۵۴: قصیده ۶۸ / ۵)

(نهی از تلخی زبان)

۴-۴ آموزش از طریق استشهداد به تمثیل، ارسال‌المثل و اسلوب معادله

اظهری به‌طور متعدد با به‌کارگیری تمثیل، تشبیه‌های تمثیلی، ارسال‌المثل و حتی اسلوب معادله، با دلنشین‌تر کردن تعالیم اخلاقی خود، هنر شاعری‌اش را می‌افزاید و آموزه‌های خویش را اثرگذارتر می‌کند:

دهد عنایت ایزد به مرده احیا را

چنانکه حُسن و جوانی ز سر زلیخا را

(اظهری، ۱۰۵۴: مقدمه / ۱۱۰)

فتاد در کف مژگان هر آنچه دل اندوخت

همیشه مال توانگر نصیب خویشان است

(همان: غزل ۱۱۲ / ۲)

شکست پنجه ظلم از نوازش عاجز

چنانکه صعوه ز شاهین بود شکارافکن

(همان: قصیده ۵۲ / ۲۲)

۵-۴ سوگندنامه

سوگندنامه‌سرایبی نیز یکی از شگردهای تعلیمی اظهری است؛ بدین ترتیب که شاعر با سوگنددادن خداوند به ذات و صفاتش، فرشتگان مقرب و اولیا و انبیا، از خدا بخشش گناهان، روزی حلال، اتصاف به صفات نیکو و به‌ویژه دوری از منہیات را درخواست

دارد (برای مطالعه بیشتر رک. احمدی‌دارانی، ۱۳۹۴: ۱۲-۱۵)؛ پس می‌توان گفت شاعر با سوگندنامه‌سرایی به مخاطب می‌آموزد برای استغفار و برآورده شدن حاجات خود و نیز برای بی‌نیازی از خلق و فراوانی روزی، به اولیاء الله متوسل شود؛ همچنین شاعر به صفات منفی - که خواهان بخشش و ترک آنهاست - و صفات مثبت - که خواستار رشد و کمال آنهاست - اشاره دارد؛ در واقع به‌طور غیرمستقیم، تلاش برای به دست آوردن نیکی‌ها و پرهیز از بدی‌ها را به مخاطب می‌آموزد:

کز اسلام مویی نورزم تخلص ز جانم بر اسلام باشد توکلا

(اظهري، ۱۰۵۴: قصیده ۲ / ۲۰)

از آن کنم طلب هر مراد خویش از تو که هست از طلب تو عطایت افزون‌تر

(همان: قصیده ۵۰ / ۷۰)

مکن ز درگه خود ناامید در همه عمر زبهر رزق به امید سفلگان مگذار

(همان: قصیده ۸۰ / ۵۴)

۶-۴ شکوه و گلایه

گلایه یکی از انواع ادبی است که در نظم و نثر، به‌ویژه از قرن ششم به بعد، وجود داشته است. شاعر در گلایه، شکایت، بث‌الشکوی... همراه با عواطف و احساسات، ضمن شکایت از ابنای روزگار به مقایسه با دوره‌های قبل و گاه به مدافعه می‌پردازد؛ گاهی نیز گلایه با مفاخره درمی‌آمیزد و از فروع ادبیات تعلیمی شمرده می‌شود (رک. شمیسا، ۱۳۸۷: ۲۴۷).

- شکایت از بی‌اعتباری دانش و بی‌توجهی اهل روزگار به کمالات

یک گهرسنج معانی نیست در این روزگار

تا بیان سازم به او طرز معانی‌پروری

نزد این ناهوشمندان مشمت سیمی خوش‌تر است

از کمال بوعلی سینا و طبع اظهري

(اظهري، ۱۰۵۴: قطعه ۲۰۰)

۷-۴ آموزش از طریق زشت‌نگاری

در بین موجودات جهان هستی انسان قدرت آموزش‌پذیری بسیاری دارد؛ به همین دلیل از ابتدا این امر به شکل‌های مختلف صورت پذیرفته و نتیجه آن پیدایش علم و تمدن بشری در قرون مختلف است. آموزش و تعلیم می‌تواند جنبه مثبت داشته باشد؛ مانند بیان صفات پسندیده و دعوت به سوی آن‌ها یا ظاهراً جنبه منفی داشته باشد؛ مثل بیان زشتی‌ها و بازداشتن از آن‌ها. زشت‌نگاری و مستهجن‌نویسی، یکی از روش‌های آموزشی و تعلیمی است که از دوران کهن در ادبیات فارسی مرسوم بوده است و کتاب‌های «الفیه» و «شلفیه» مشهورترین نمونه‌های این فن شمرده می‌شود (شمیسا، ۱۳۸۷: ۲۴۳). بیان ناهنجاری‌ها با بزرگ‌نمایی به سه شکل «طنز و هجو و هزل» صورت می‌پذیرد. طنز همراه با خنده تلخ است؛ ولی هجو و هزل شدت بیشتری دارد و با تأسف و تأثر همراه است. به نظر می‌رسد هرگاه در جامعه‌ای ناهنجاری‌ها بیشتر نمود یابد، شاعران برای نشان دادن زشتی‌ها و مفساد حاصل از آن‌ها و بازداشتن از آن‌ها بیشتر به طنز و هجو و هزل روی می‌آورند. اظهري نیز بدین منظور در رساله کمال خویش به میزان توجه‌برانگیزی از هجوگویی و هزل‌سرایی استفاده کرده است؛ به گونه‌ای که ۲۲ هجو در قالب قطعه و یک هجو در قالب رباعی و ۳۸ شعر با مضمون هزل در قالب قطعه، ۲۰ هزل در قالب رباعی و ۲ هزل در قالب مثنوی سروده است.

۷-۴-۱ هجو: هجو به معنای بدگویی است و در اصطلاح، نوعی شعر است که در آن، به مذمت فرد یا افرادی پردازند. شاعر هجو سرا همه کوشش خود را به کار می‌برد تا طرف مقابل خود را را بی‌آبرو و خوار کند و در این زمینه کار را به اغراق و گاه به زشت‌نگاری می‌رساند (همان: ۲۴۴). اظهري خود درباره هجو سرایی‌های خویش می‌گوید:

گویند سخنوران که شاعر بی‌هجو شیری است درنده لیک بی‌چنگال است

هست اظهري آن شیر سراپا چنگال اما نه ز درنده بداحوال است

(اظهري، ۱۰۵۴: قطعه ۱۰۱)

من در این حالت پیرانه سری گویم هجو طبعم از ظن بدتوست پریشان‌احوال

(همان: قطعه ۲۰۷ / ۱۱)

چنانکه گفته شد در دیوان اظهري هجویات بیشتر در قالب مقطعات شاعر نمایان است و شاعر با به‌کارگیری این روش می‌کوشد تا بخشی از ناهنجاری‌های جامعه را به تصویر بکشد و دیگران را از آن نهی کند:

گویم نصیحتی به تو ای حاجی حرم از حرص این چنین طمع مال کس ممکن...
با هر که نرد حیلہ بیازی به ما مباز دزدی چو می‌کنی ز سرای عسس ممکن
(همان: قطعه ۱۰۰)

۴-۷-۲ هزل: هزل یکی از فنون شعری و معیار و محک سنجش قوت طبع شاعر است. هجو در حکم حربۀ شاعر و مهارت در آن موجب عزت شاعر است و شاعران پیشین پرهیز از هزل‌سرایی را ضعف و نقص شاعر می‌شمردند (رک. شمیسا، ۱۳۸۷: ۲۴۵-۲۴۶). اظهري نیز در رویارویی با شرایط زمانه، برای نشان‌دادن زشتی‌ها و بازداشتن از آن‌ها و همچنین کمال شاعری خود از هزل‌پردازی استفاده کرده و به کمک این شیوه به نکوهش صفات منفی مانند دلّالی، فساد اخلاقی و دینی و... پرداخته است. وی خود درباره این موضوع می‌گوید:

سر من گشته تهی مغز خیالات سخن هرزه گویی به تو گر سر زندهم معذورم
عجبی نیست ندارم اگر انسانیت سال‌ها شد که در این ملک ز انسان دورم
(اظهري، ۱۰۵۴: قطعه ۱/۲۰ و ۲)

۴-۸ آموزش از زبان پرندگان (فابل)

اظهري قصیده‌ای ۷۵ بیتی با عنوان «نغمات الطیور» به تقلید از منطق‌الطیور خاقانی دارد. در این قصیده با ذکر داستان پرندگان شیفته عشق مجازی و با آوردن داستان دراج که از این میان به عشق حقیقی معتقد است و تبیین سخنان وی (که در واقع بیان آموزه‌های تعلیمی - عرفانی هستند)، موجب تغییر روش تعدادی از آن‌ها می‌شود. دراج خطاب به مرغان می‌گوید:

آخر آن نغمه‌سراینده عرفان دراج کرد از خواب جهالت دل مرغان بیدار
که شما را همگی مهر مجازی است به دل در بدن جان مرا عشق حقیقی است شعار
جز به توحید الهی نگشایم لب خویش گر ز دم به غلط، باز کنم استغفار
معتکف می‌شوم آنجا که در او هست اسلام نهم پای بر آن ملک که دارد کفار
(همان: قصیده ۱۸/۳۰-۳۴)

جدول شماره ۲: آموزه‌های تعلیمی دیوان اظهري

مستقیم	سلبی	نهی از پرگویی و دعوت به سکوت؛ بازداشتن از حرص و طمع؛ بازداشتن از بخل و خست؛ بازداشتن از پرخوری؛ ترک ستمگری در حق دیگران؛ بازداشتن از غمازی و بدگویی و مذمت فالگیری و رمالی؛ نکوهش دنیاپرستی و تعلق خاطر به مادیات؛ مذمت بیهوده‌گویی و ناپسندگویی.
	ایجابی	دعوت به شکرگزاری و کرم و بخشش؛ دعوت به تواضع و فروتنی؛ دعوت به صبر و بردباری؛ دعوت به توبه و پرهیز از معصیت؛ دعوت به ادای دین؛ دعوت به مروت و جان‌نثاری؛ دعوت به قیام در برابر ظلم؛ توصیه به امیدواری به لطف الهی.
غیرمستقیم	سلبی	مذمت کبر و خودستایی؛ برحذر داشتن از ریاکاری.
	ایجابی	دعوت به قناعت؛ دعوت به نیکوکاری؛ دعوت به توکل.

جدول شماره ۳: شگردهای تعلیمی غیرمستقیم در رساله کمال

بیشتر آموزه‌های تعلیمی در شعر اظهري از نوع مستقیم هستند.							مستقیم				
فابل	زشت‌نگار		شکوه و گلایه	سوگندنامه	استشهاد به آیات و ...	ارسال‌المثل	اسلوب معادله	تخیل	تجریب	قصه‌گویی	غیرمستقیم
	ی	ی									

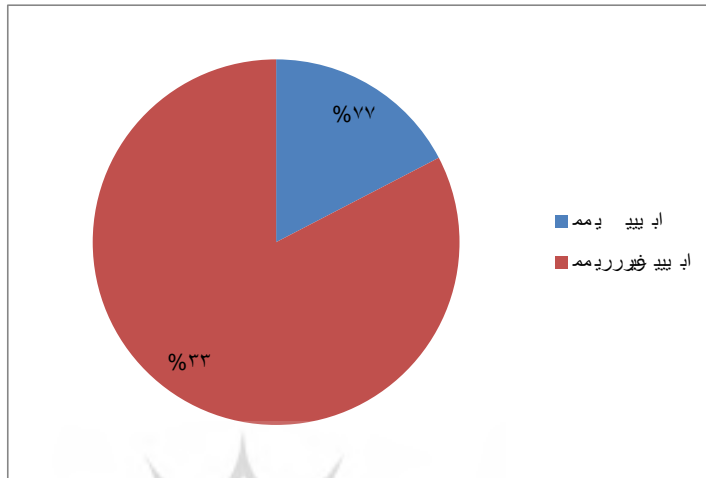
جدول شماره ۴: بسامد زشت‌نگاری در رساله کمال

قالب	قطعه	رباعی	مثنوی
هجو	۲۲	۱	-
هزل	۳۸	۲۰	۲

جدول شماره ۵: بسامد مضامین اخلاقی و تعلیمی به کاررفته در رساله کمال اظهري

ردیف	مضامین اخلاقی و تعلیمی	فراوانی	درصد فراوانی نسبت به کل ابیات (۱۰۳۸۵ بیت)	درصد فراوانی نسبت به ابیات تعلیمی (۱۸۰۳ بیت)
۱	نهی از پرگویی و دعوت به سکوت	۲۸	۰.۲۵	۱.۵
۲	بازداشتن از حرص و طمع	۶۴	۰.۶	۳.۵
۳	بازداشتن از بخل و خست	۴۴	۰.۴۲	۲.۵
۴	بازداشتن از پرخوری	۳۵	۰.۳	۱.۹
۵	ترک ستمگری در حق دیگران	۳۷	۰.۳۵	۲
۶	بازداشتن از غم‌آزی و بدگویی	۲۶	۰.۲۵	۱.۵
۷	مذمت فالگیری و رمالی	۲۷	۰.۲۶	۱.۵
۸	مذمت دنیاپرستی و تعلق خاطر به مادیات	۸۰	۰.۷۵	۴.۶
۹	مذمت بیهوده‌گویی	۴۴	۰.۴۳	۲.۵
۱۰	دعوت به شکرگزاری و کرم و بخشش	۳۶	۰.۳۴	۲
۱۱	دعوت به تواضع و فروتنی	۵۴	۰.۵۲	۳
۱۲	دعوت به صبر و بردباری	۴۶	۰.۴۵	۲.۵
۱۳	دعوت به توبه و پرهیز از معصیت	۷۷	۰.۷۴	۴.۳
۱۴	دعوت به ادای دین	۲۶	۰.۲۵	۱.۵
۱۵	دعوت به مروت و جان‌نثاری	۴۷	۰.۴۶	۲.۶
۱۶	دعوت به خویش‌داری	۵۲	۰.۵	۲.۸
۱۷	دعوت به قیام در برابر ظلم	۳۰	۰.۲۷	۱.۶

۵۳	۰.۹۱	۹۵	توصیه به امیدواری به لطف الهی	۱۸
۱.۷	۰.۳	۳۱	مذمت کبر و خودستایی	۱۹
۱.۸	۰.۳۱	۳۳	برحذر داشتن از ریاکاری	۲۰
۲	۰.۳۴	۳۶	دعوت به قناعت	۲۱
۲.۴	۰.۴۲	۴۴	دعوت به نیکوکاری و چشم‌پوشی از خطا	۲۲
۲.۴	۰.۴۳	۴۵	دعوت به توکل	۲۳
۲.۲	۰.۳۶	۴۰	دعوت به فراموش نکردن یاد مرگ	۲۴
۱.۲	۰.۲	۲۰	فصه‌گویی	۲۵
۴.۲	۰.۷۳	۷۶	تجرید	۲۶
۰.۸	۰.۱۵	۱۶	تمثیل	۲۷
۱.۹	۰.۳۳	۳۵	ارسال‌المثل	۲۸
۳.۶	۰.۶۲	۶۵	اسلوب معادله	۲۹
۵	۰.۸۴	۹۰	زشت‌نگاری	۳۰
۸.۶	۱.۴	۱۵۵	سوگندنامه	۳۱
۴.۷	۰.۸۱	۸۵	شکوه و گلایه	۳۲
۱.۹	۰.۳۱	۳۴	فایل	۳۳
۸.۵	۱.۴	۱۵۰	استشهاد به آیات و داستان‌های قرآنی	۳۴
-	۸۳	۸۵۸۲	سایر ابیات	۳۵



نمودار شماره ۲: فراوانی ابیات تعلیمی نسبت به کل ابیات رساله کمال اظهري

۵- نتیجه گیری

با بررسی‌های انجام‌شده در اشعار رساله کمال اظهري شیرازی این نتایج به دست آمد: اظهري مانند بسیاری از شاعران دیگر فارسی در رساله کمال خویش افزون‌بر دیگر مضامین شعری به تعلیم آموزه‌های اخلاقی نیز توجه بسیاری داشته است؛ پس می‌توان گفت مخاطب تعلیم رساله کمال اظهري، مخاطب عام است. در واقع اشعار تعلیمی وی خطاب به مخاطب خاص نیست و به آموزش فن یا دانشی خاص نمی‌پردازد. براساس بررسی‌های انجام‌شده حدود یک پنجم اشعار شاعر (حدود دوهزار بیت) مضامین تعلیمی است. اظهري با استفاده از دو روش آموزشی مستقیم و غیرمستقیم و با دو شیوه سلبی و ایجابی آموزه‌های تعلیمی خویش را در لابه‌لای اشعار رساله کمال گنجانده است؛ هرچند گاهی نیز یک قطعه یا رباعی کامل را به این مضمون اختصاص داده است. اظهري در تربیت سلبی با نفی و حذف آنچه برخلاف اخلاق و انسانیت است، شرایط به فعلیت درآوردن ویژگی‌های فطری انسانی را فراهم کرده است؛ از جمله آموزه‌های سلبی اظهري می‌توان به نهی از پرگویی و دعوت به سکوت، بازداشتن از حرص و طمع، بازداشتن از

بخل و خست، بازداشتن از پرخوری و... اشاره کرد (رک. جدول شماره ۲). اظهري در بخش تربیت ایجابی با افزودن امتیازات درونی به مخاطب او را به انجام اموری خاص دعوت می‌کند؛ از جمله آموزه‌های ایجابی اظهري می‌توان دعوت به قناعت، شکرگزاری، فروتنی، نیکوکاری، توکل، بردباری، توبه، مروّت و جان‌نثاری و... را نام برد (رک. جدول شماره ۲). اظهري افزون بر دعوت مستقیم به نیکی‌ها و بازداشتن از زشتی‌ها، از شگرد غیرمستقیم مانند آموزش با قصه‌گویی، صنعت تجرید یا خطاب النفس، تمثیل، ارسال‌المثل، اسلوب معادله، استشهاد به آیات و داستان‌های قرآنی، سوگندنامه و همچنین شیوه‌های زشت‌نگاری (هجو و هزل)، شکوه و گلایه و فابل نیز در آموزش تعالیم اخلاقی خویش استفاده کرده است؛ نیز در بررسی‌های انجام‌شده مشخص شد آموزه‌های ایجابی به‌شکل مستقیم، بیشترین بسامد را در رساله کمال اظهري داشته‌اند.

چنانکه گفته شد، اظهري در رساله کمال خود کوشیده است مضامین اخلاقی و تعلیمی متنوع و ارزشمندی را به کمک هنر شاعری و ظرافت‌های کلامی خویش و متناسب با سطوح مختلف علمی و اجتماعی مخاطبان منتقل کند. برطبق جدول شماره پنج، این مقاله از مجموع سی و چهار آموزه تعلیمی شمرده‌شده در رساله کمال، هفده آموزه به‌شیوه مستقیم و شش آموزه به‌شیوه غیرمستقیم ارائه شده است؛ نیز باتوجه‌به جدول شماره دو می‌توان پی‌برد که آموزه‌های ایجابی نسبت به سلبی بسامد بیشتری در رساله کمال داشته که نشانه دانش و آگاهی شاعر به اثرگذاری قوی‌تر تعالیم ایجابی نسبت به سلبی است که روانشناسی جدید نیز آن را تعیین می‌کند.

با بررسی مؤلفه‌های تعلیمی اظهري در اشعارش، از یک‌سو به اخلاق‌مداری شاعر و اهمیت موازین اخلاقی نزد او می‌توان پی‌برد و از سوی دیگر باتوجه‌به آموزه‌های ایجابی وی مشخص می‌شود کدام جنبه‌های اخلاقی در جامعه عصر شاعر کمرنگ و بی‌رونق بوده است؛ چنانکه از مؤلفه‌های سلبی او نیز می‌توان به مفاسد و کاستی‌های اخلاقی و اجتماعی رایج در آن دوران پی‌برد که نشان‌دهنده ارزش اجتماعی و مردم‌شناسانه این پژوهش است.

باتوجه‌به نتایج یادشده می‌توان گفت اظهري حدود دو هزار بیت (نزدیک به بیست

درصد) از اشعار خود را به نوع تعلیمی اختصاص داده و از شاعرانی بوده است که اصلاح جامعه و رفع مفاسد و زشتی‌ها را در گرو رستگاری فردفرد مردم می‌دانسته و تعلیم و پند و اندرز را در این امر مؤثر می‌شمرده و این موضوع، هم تحت تأثیر فرهنگ ایرانی و هم متأثر از تربیت مذهبی و دینی شاعر بوده است.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه (۱۳۸۹)، ترجمه سید جعفر شهیدی، چ ۳۰، تهران: علمی فرهنگی.
۳. غررالحکم و درر الکلم (۱۴۱۰ ق.) گردآوری ابوالفتح آمدی، تصحیح سید مهدی رجایی، چاپ دوم، قم: دارالکتاب الاسلامی.
۴. آقابزرگ تهرانی، محمدمحسن (۱۴۰۳ ق.)، الذریعه، ج ۹، مشهد: آستان قدس رضوی.
۵. احمدی دارانی، علی اکبر (۱۳۹۴)، «نوع ادبی سوگندنامه»، شعرپژوهی (بوستان ادب)، سال هفتم، شماره ۲، ۱۲-۱۵.
۶. اظهري شیرازی، بوداق (بی‌تا)، رساله کمال، نسخه خطی شماره ۳۷۷، کتابخانه مدرسه عالی شهید مطهری (سپهسالار).
۷. _____ (بی‌تا)، رساله کمال، نسخه خطی شماره ۶۰۷۸-ف، کتابخانه دانشگاه تهران.
۸. اسکیلارس، اوله مارتین (۱۳۸۷)، درآمدی بر فلسفه ادبیات، ترجمه مرتضی نادری دره‌شوری، تهران: اختران.
۹. پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۲)، نهج الفصاحه، چ ۴، تهران: دنیای دانش.
۱۰. چینی، فریبا؛ طاهری، فاطمه سادات؛ مدرس زاده، عبدالرضا (۱۴۰۰)، «معرفی رساله کمال اظهري به همراه تحلیل محتوایی و ساختاری آن»، متن‌شناسی ادب فارسی، سال ۵۰، ش ۲، ۹۷-۱۱۸.

۱۱. حدائق شیرازی، ضیاءالدین معروف به ابن یوسف (۱۳۱۶)، فهرست نسخ خطی مدرسه عالی سپهسالار، جلد دوم، تهران: مجلس.
۱۲. خویی، ابوالقاسم (۱۳۷۵)، «ادای دین»، دانشنامه جهان اسلام، زیر نظر سید مصطفی میرسلیم، ج ۱، تهران: بنیاد دایرةالمعارف اسلامی.
۱۳. درایتی، مصطفی؛ فلاح، مهدی (۱۳۹۴)، فهرست نسخ خطی ایران، تهران: سازمان اسناد ملی.
۱۴. دشتی، محمد (۱۳۸۲)، فرهنگ سخنان امام حسن مجتبی (ع)، قم: موسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین (ع).
۱۵. دیلمی، حسن بن محمد (۱۴۲۴ ق.)، ارشاد القلوب، ج ۱، تهران: دارالاسوة.
۱۶. رزمجو، حسین (۱۳۹۰)، انواع ادبی و آثار آن در زبان فارسی، مشهد: دانشگاه فردوسی.
۱۷. زمانی، کریم (۱۳۹۳)، میناگر عشق: موضوع مثنوی معنوی مولانا جلالالدین محمد بلخی، ج ۱۲، تهران: نی.
۱۸. شمیسا، سیروس (۱۳۸۷)، انواع ادبی، تهران: میترا.
۱۹. صفا، ذبیح‌الله (۱۳۶۴)، تاریخ ادبیات در ایران، ج ۵/۲، تهران: فردوس.
۲۰. عاملی، شیخ حر (۱۳۹۷)، جهاد با نفس (وسائل الشیعه)، ترجمه محمدجواد مولوی‌نیا، ج ۲، قم: آوای بی‌صدا.
۲۱. عنصرالمعالی، کیکاوس بن اسکندر (۱۳۹۰)، قابوس‌نامه، تصحیح غلامحسین یوسفی، ج ۱۷، تهران: علمی و فرهنگی.
۲۲. فیض کاشانی، محسن (۱۳۸۳)، محجة البیضاء، ج ۷، بی‌جا: ناشر جامعه مدرسین زبان عربی.
۲۳. قرشی، سید علی‌اکبر (۱۳۹۱)، قاموس قرآن کریم، ج ۱۷، چاپ ششم، قم: دارالکتب الاسلامیه.
۲۴. قشیری، ابوالقاسم (۱۳۸۸)، رساله قشیریه، با تصحیح و استداراکات بدیع‌الزمان فروزانفر، ج ۲، تهران: زوار.

۲۵. کریمی، عبدالعظیم (۱۳۹۳)، «تذکیر به مثابه "تربیت سلبی" در برابر "تدسیه" به مثابه "تربیت ایجابی"» تربیت اسلامی، سال دهم، ش ۲۱، ۱۰۱-۱۲۱.
۲۶. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۷۷) اصول کافی، مصحح علی‌اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۲۷. مجلسی، محمدباقر (۱۳۹۸). بحارالانوار، ترجمه فارسی، اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه.
۲۸. محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۸۴)، میزان الحکمه، ج ۲ و ۹، ترجمه محمدرضا شیخی و دیگران، قم: دارالحديث.
۲۹. مشرف، مریم (۱۳۸۹)، جستارهایی در ادبیات تعلیمی ایران، تهران: سخن.
۳۰. مولوی جلال‌الدین محمد (۱۳۸۹)، مولوی، دفتر چهارم، با شرح کریم زمانی، تهران: اطلاعات.
۳۱. مهدوی، مصلح‌الدین (۱۳۸۸)، اعلام اصفهان، با تصحیح غلامرضا نصراللهی، جلد دوم، اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری.
۳۲. نجفی، ابوالحسن (۱۳۸۱)، وسیلة النجاة، تهران: مؤسسه تنظیم نشر آثار امام خمینی.
۳۳. نراقی، ملا احمد (۱۳۶۱)، معراج السعادة، چ ۲، تهران: انتشارات امین و رشیدی.
۳۴. نصرآبادی، محمدطاهر (۱۳۱۷)، تذکره، به تصحیح حسن وحید دستگردی، تهران: ارمغان.
۳۵. یلمه‌ها، احمدرضا (۱۳۹۶)، «شگردها و علل و انگیزه‌های کاربرد مضامین تعلیمی در منظومه‌های غنایی باتکیه بر منظومه نوبافته ناز و نیاز»، ادبیات تعلیمی، سال نهم، شماره ۳۴، ۲۸-۱.
۳۶. _____ (۱۳۹۵)، «بررسی خاستگاه ادبیات تعلیمی منظوم و سیر تطور و تحول آن در ایران»، ادبیات تعلیمی، سال ۸، ش ۲۹، ۶۱-۹۰.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی